

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی^۱

زهره حامدی شیروان^۱ شهلا شریفی^{۲*} محمود الیاسی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۰)

چکیده

در این پژوهش آرایش واژگان در چهار گویش فارسی خوزستان، یعنی بهبهانی، دزفولی، شوشتری و هندیجانی از نظر رده‌شناختی بررسی شده است. چارچوب نظری اصلی این پژوهش رده‌شناسی آرایش واژگان در این است. دبیرمقدم در پژوهش خود ۲۴ مؤلفه را در نظر گرفته است که ۱۹ مورد آن‌ها برگرفته از مقاله درایر و بقیه مؤلفه‌ها برگرفته از پایگاه داده‌های وی هستند که آمار مربوط به آن در اختیارش قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز همین ۲۴ مؤلفه درباره گویش‌های خوزستان بررسی و نتایج حاصل با منطقه اروپا - آسیا و همچنین جهان مقایسه شده‌اند. ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه و گفت‌وگو و مصاحبه حضوری با گویش‌وران است. با تعداد ۳۰ گویش‌ور بومی این گویش‌ها مصاحبه شده و بعد از ثبت و ضبط مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها، مطالب به دقت آوانویسی و سپس براساس مؤلفه‌های مورد نظر تحلیل شدند. در بررسی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

* shahlasharifi@hotmail.com

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

داده‌ها، رفتار رده‌شناختی هر کدام از این گویش‌ها در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا و همچنین زبان‌های دنیا از جهت دارابودن مؤلفه‌های فعل‌پایانی و یا فعل‌میانی بررسی و تحلیل شد. به طور کلی این چهار گویش هم در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های دنیا، به رده فعل‌میانی قوی گرایش دارند؛ البته باید گفت که براساس آمار جدول‌ها رفتار رده‌شناختی این گویش‌ها با رده بینابین (آمیخته) - که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی پیشنهاد کرده است - هماهنگ است. درباره مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک باید گفت که در این چهار گویش فقط مؤلفه ۱، ۹ و ۱۱ غیرمشترک هستند و این گویش‌ها در ۲۱ مؤلفه دیگر رفتار مشترک دارند.

واژه‌های کلیدی: رده‌شناسی زبان، آرایش واژگان، گویش‌های فارسی خوزستان، فعل-پایانی، فعل‌میانی.

۱. مقدمه

هر قوم و ملتی زبان مختص خود را دارد و در درون هر زبان واحد تنوعات گویشی و لهجه‌ای فراوان دیده می‌شود. هر زبان، گویش یا لهجه پیام و معنا را به شیوه خاص خود منتقل می‌کند؛ از این رو هرکس با لهجه مادری خود بهتر و آسان‌تر می‌تواند به ایجاد ارتباط و انتقال پیام مؤثر بپردازد و درحقیقت زبان هر قومی به‌مثابه هویت و کارت شناسایی ملی و قومی اوست (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

وجود زبان‌ها و گویش‌های محلی گوناگون در ایران، از سرمایه‌های ارزشمند فکری، فرهنگی و تاریخی آن است و وظیفه ثبت و ضبط و حفظ آن‌ها بر عهده پژوهشگران و نهادهای علمی است. گسترش زبان فارسی، به‌خصوص در محدوده سیاسی ایران، به‌سبب آموزش آن در مدارس، انتشار کتاب، روزنامه و جز آن، و فراگیرشدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون، در رنگ‌باختگی و فراموش‌شدن گویش‌های محلی به شدت تأثیر گذاشته است. کم‌شدن جمعیت روستاها به‌دلیل مهاجرت مردم به شهرها برای اشتغال و البته ترغیب‌نکردن خانواده‌ها به آموختن زبان مادری به کودکان، از عواملی است که روند نابودی گویش‌های محلی را سریع‌تر کرده است (حسن‌دوست، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین مستندسازی و جمع‌آوری داده‌های گویش‌های محلی هم‌اکنون اهمیتی بیش از گذشته دارد و این امر نیازمند همکاری زبان‌شناسان، گویش‌وران و سازمان‌های

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

مرتبط است. همان‌گونه که آقاگل‌زاده (۱۳۸۹: ۱) بیان می‌کند «تحقیق دربارهٔ زبان‌ها، گویش‌ها، لهجه‌ها و تنوعات گونه‌ای آن‌ها ارزش شناختی، هویتی، آموزشی و تصمیم‌سازی اجتماعی اعم از فردی، قومی، ملی و بین‌المللی دارد».

در این پژوهش به بررسی رده‌شناختی گویش‌های فارسی خوزستان پرداخته می‌شود. چهار گویش بهبهانی، دزفولی، شوشتری و هندیجانی در این نوشتار تحلیل می‌شوند. پژوهش‌های متعددی دربارهٔ این گویش‌ها از نظر زبان‌شناختی انجام شده است که بیشتر آن‌ها در قالب گویش‌شناسی سنتی و قدیمی هستند و پیش‌تر از این نیز گویش‌ها از این منظر، بررسی و تحلیل نشده‌اند. سؤال‌های اصلی پژوهش بدین شرح‌اند:

۱. این گویش‌ها از نظر ۲۴ مؤلفهٔ آرایش واژگانی درایر چه رفتاری دارند؟
۲. با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده آیا این گویش‌ها در ردهٔ فعل پایانی یا فعل میانی قرار می‌گیرند؟
۳. مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک در گویش‌های فارسی خوزستان کدام‌اند؟
۴. این گویش‌ها در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا به ردهٔ فعل پایانی یا فعل میانی گرایش دارند؟

کورمن (۲۰۱۳) معتقد است کاربرد روش‌های رده‌شناختی در گویش‌شناسی سبب شده تا زمینهٔ رده‌شناختی به تنوعات درون‌زبانی، معرفی داده‌ها، روش‌ها و تفسیرهای رده‌شناختی به حوزهٔ گویش‌شناسی اضافه شود و به پدیده‌هایی که قبلاً بی‌توجهی شده یا رابطهٔ آن‌ها با همدیگر مشخص نشده است، توجه شود.

چنین پژوهش‌هایی به طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آن‌ها و آگاهی از ساخت‌های متفاوت زبانی و در نتیجه شناخت بهتر همگانی‌های زبان و امکان ارزیابی نظریه‌های زبانی کمک خواهد کرد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

آغازگر مطالعهٔ آرایش واژگان در رده‌شناسی گرین‌برگ (۱۹۶۶) بود که با ارائهٔ یافته‌های تجربی خود دربارهٔ مجموعهٔ بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را دغدغهٔ

اصلی پژوهش‌های زبانی مطرح کرد. وی نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی بیان داشت. پس از او لمان (۱۹۷۳) کاشف ایده فعل عامل سازمان‌دهنده الگوی آرایش واژگان شناخته شده است. وی برای نخستین بار بین زبان‌های فعل‌پایانی (OV) و زبان‌های فعل‌آغازی (VO)، تمایز ایجاد کرد. همچنین ونمان (۱۹۷۴) در رده‌بندی فعل‌پایانی / فعل‌آغازی از لمان پیروی می‌کند و معتقد است همه قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی براساس عبارات تلویحی گرین‌برگ، اصل زنجیره‌سازی طبیعی^۲ را مطرح می‌کند (بیشتر به عنوان نظریه هسته-وابسته^۳ معروف است). هاکینز (۱۹۸۳) در رویکرد آرایش واژگان خود می‌کوشد بین اصول چندگانه گرین‌برگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول ساده لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی)، تعادل ایجاد کند. او خلاف لمان و ونمان از داده‌های گرین‌برگ استفاده نکرد و با یک نمونه ۳۳۶ تایی از زبان‌ها کار کرد. همچنین هاکینز اصل هماهنگی بینام‌قوله‌ای^۴ را مطرح می‌کند تا بتواند بسامد زبان‌ها را دقیق‌تر بررسی کند. کامری (۱۹۸۹) بیان می‌کند که دغدغه اصلی پژوهش در حوزه آرایش واژگان نیست، بلکه آرایش سازه‌هاست و اصطلاح درست‌تر رده‌شناسی «آرایش سازه‌ها» است که ممکن است این سازه‌ها شامل یک یا چند واژه شوند. درنهایت، درایر در مقاله خود بر اساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵^۵ زبان، بسیاری از ادعاها درباره همبستگی‌های آرایش واژگان را تأیید می‌کند؛ اما درعین حال، بسیاری از فرضیات پذیرفته‌شده را رد می‌کند.

در زمینه آرایش واژگان در زبان‌ها و گویش‌های دنیا، در چند دهه اخیر پژوهش‌های متعددی انجام شده است، از جمله پژوهش برادشو (۱۹۸۲) درباره ویژگی‌های آرایش واژگانی رده‌شناختی زبان‌های استرالیایی - اندونزیایی گینه نو، پژوهش مشترک گات و دیگران (۱۹۹۴) درباره انعطاف‌پذیری آرایش واژگان در زبان‌های جنوب آسیا، پژوهش درایر (۲۰۰۳) درباره آرایش واژگان، هم در سطح بند و هم در سطح گروه، در زبان‌های چینی - تبتی، تحقیق کالستینوا (۲۰۰۷) درباره بررسی پدیده آرایش واژگان در یک زبان دارای آرایش واژگانی آزاد (یعنی زبان روسی)، پژوهش درایر (۲۰۰۸) درباره آرایش واژگان در زبان‌های تبت و برمن، کار تُنهاسر و کالینجن (۲۰۱۰) درباره محدودیت‌های موجود بر آرایش واژگان در زبان گورانی پاراگوئه^۶ بر اساس پیکره‌ای از داده‌های

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

طبیعی، پژوهش پیکره - محور بدر و هاسلر (۲۰۱۰) درباره آرایش فاعل و مفعول در بندهای اصلی و درونه زبان آلمانی.

با توجه به عدم امکان معرفی تمام پژوهش‌های موجود با در نظر گرفتن مجال اندک مقاله، در ادامه ابتدا پژوهش‌های مربوط به آرایش واژگان در زبان‌ها و گویش‌های فارسی به اجمال معرفی و مرور می‌شوند. در ادامه نیز پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه گویش‌های فارسی خوزستان به ترتیب زمانی معرفی می‌شوند.

احمدی‌پور (۱۳۷۲: ۴-۱) آرایش سازه‌های اصلی را در جملات ساده اخباری و جملات مرکب با ساخت موصولی و ساخت متممی از دیدگاه رده‌شناسی زبان تحلیل کرده است تا الگوهای غالب جملات و در مقابل آن آرایش‌های فرعی ممکن را کشف، توصیف و رده‌بندی کند.

شریفی (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود به بررسی رده‌شناختی آرایش واژه‌ها - آرایش سه سازه اصلی جمله، یعنی فعل، مفعول و فعل - همچنین مراتب رده‌شناختی ناظر بر ترتیب خطی سازه‌ها در زبان فارسی پرداخته است. در این اثر، سلسله‌مراتب رده‌شناختی ناظر به ترتیب خطی سازه‌ها و برخی از عوامل مؤثر بر ترتیب خطی سازه‌ها معرفی شده‌اند و درنهایت، حاصل تجزیه و تحلیل و بررسی‌ها درباره آرایش واژه‌ها در زبان فارسی براساس رویکرد رده‌شناختی ارائه شده است.

همین نویسنده در مقاله‌ای به بررسی آرای هاکینز در حوزه رده‌شناسی آرایش واژه‌ها پرداخته است (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۷-۹۲).

میردهقان و مهمانچیان (۱۳۹۰: ۵۳-۸۳) در مقاله‌ای به بررسی آرایش واژگانی جملات خبری گویش آتنی (از گویش‌های مازندرانی) در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته‌اند.

رضاپور در پژوهش خود آرایش واژه در گویش سمنانی را بر اساس مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) از نظر رده‌شناختی تجزیه و تحلیل کرده است. بر اساس تحلیل داده‌ها مشخص شده است که گویش سمنانی ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را در مقایسه با گروه زبان‌های دنیا دارد. بنابراین این گویش گرایش به رده زبان‌های فعل‌پایانی دارد (رضاپور، ۱۳۹۴: ۱-۲۱).

در زمینه آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان پژوهشی انجام نشده است؛ ولی در حوزه گویش‌شناسی می‌توان به پژوهش‌های اونوالا^۷ (۱۹۵۹)، مک‌کینان (۱۹۹۵)، بابایی‌بزاز (۱۳۷۵)، معماری (۱۳۸۹)، گرامی (۱۳۸۵)، کدخدای (۱۳۸۵) و راستی‌بهبهانی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) اشاره کرد.

۳. روش تحقیق

ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه و گفت‌وگو و مصاحبه حضوری با گویش‌وران است. این پرسش‌نامه با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی در مقاله و با اقتباس از پرسش‌نامه جمع‌آوری گویش‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهیه شده است. مؤلفان در سفری به خوزستان با ۳۰ گویش‌ور مصاحبه کردند و همه مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها ثبت و ضبط و به دقت مکتوب و آوانویسی شدند و سپس براساس مؤلفه‌هایی به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. قوانین ترجمه و تحلیل لایزیک^۸ که در سایت مؤسسه مکس پلانک ذکر شده، معیار تحلیل جملات و تک‌واژها قرار گرفته است. همچنین از منابع چاپی موجود در زمینه این گویش‌ها (پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها، فرهنگ‌ها، مجموعه شعر و داستان و غیره) تا حد امکان و بنا به ضرورت استفاده شده است. در انتخاب گویش‌وران نیز سعی شد از افراد متولد و ساکن همان منطقه که از نظر شنوایی سالم و از نظر بیانی با تلفظی واضح و روان هستند، استفاده شود.

۴. مبانی نظری پژوهش

درایر (۲۰۰۷: ۶۱) معتقد است «یکی از راه‌هایی که توسط آن زبان‌های دنیا از هم متمایز می‌شوند، ترتیب سازه‌ها یا به اصطلاح رایج‌تر آرایش واژگان است». مسئله آرایش واژگان در یک زبان و همچنین مقایسه با زبان‌های دیگر از زمان گرین‌برگ (۱۹۹۶)، دغدغه اصلی رده‌شناسان بوده است.

رده‌شناسی آرایش واژگان نقش مهمی در توسعه رده‌شناسی داشته است؛ زیرا علاقه پژوهشگران دهه‌های اخیر به رده‌شناسی زبان با استفاده از انواع داده‌های زبان‌ها- همان‌گونه که اشاره شد- از مقاله مهم و تأثیرگذار گرین‌برگ درباره آرایش واژگان

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

نشئت می‌گیرد. البته دغدغه اصلی پژوهش در این حوزه، آرایش واژه‌ها نیست، بلکه آرایش سازه‌های موردنظر است و شاید اصطلاح درست‌تر رده‌شناسی «آرایش سازه‌ها» باشد (کامری، ۱۹۸۹: ۸۶-۸۷).

در بخش پیشینه، تاریخچه مختصری درباره رده‌شناسی آرایش واژگان ارائه شد؛ بنابراین در این بخش نظریات درایر معرفی می‌شود. پرسش‌های اصلی که درایر در پژوهش خود مطرح می‌کند، بدین شرح‌اند: ۱. جفت عناصری که با آرایش فعل- مفعول همبستگی دارند، چه عناصری هستند؟ ۲. چرا این همبستگی‌ها وجود دارند؟ (علت وجود آن‌ها چیست؟)

به نظر درایر شواهد تجربی دقیق در پاسخ به اولین پرسش هیچ‌وقت ارائه نشده است؛ درحالی‌که گرین‌برگ (۱۹۶۳)، داده‌هایی را از سی زبان ارائه داد، اما نمونه مورد بررسی او بسیار کوچک بود و مسائل سوگیری ژنتیک و منطقه‌ای هم درباره این نمونه حل نشده است (درایر، ۱۹۹۲: ۸۱).

نتایج تجربی که در مقاله درایر بیان شده، براساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان است که بسیاری از ادعاها درباره همبستگی‌های آرایش واژگان را تأیید می‌کند؛ اما در عین حال، بسیاری از فرضیات پذیرفته‌شده را رد می‌کند. درایر جفت همبستگی را بدین صورت تعریف می‌کند: اگر در یک جفت دو عنصر X و Y با آرایش فعل و مفعول، همبستگی داشته باشند، به این جفت، جفت همبستگی می‌گوییم. برای مثال زبان‌های فعل‌پایانی به پس‌اضافه‌ای بودن و زبان‌های فعل آغازی به پیش‌اضافه‌ای بودن تمایل دارند؛ بنابراین جفت (حرف اضافه- گروه اسمی)، یک جفت همبستگی است. در تعیین جفت‌های همبستگی مسئله مهم این است که بررسی کنیم آیا این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار هستند یا خیر (همان، ۸۲).

بنابر گفته درایر توضیحات مختلفی برای همبستگی‌های آرایش واژگان ارائه شده است؛ اما عادلانه است که بگوییم رایج‌ترین دیدگاه در میان این دیدگاه‌ها این است که زبان‌ها به قراردادن هسته‌های دستوری به صورت هماهنگ با وابسته‌ها تمایل دارند که در نظریه هسته- وابسته منعکس می‌شود.

نظریه هسته - وابسته: الگوسازهای فعلی، هسته و الگوسازهای مفعولی وابسته هستند؛ یعنی یک جفت عامل X و Y ، آرایش XY را در زبان های فعل آغازی و نه زبان های فعل پایانی، به کار می گیرند، اگر فقط X یک هسته و Y یک وابسته باشد. براساس این نظریه زبان ها به یکی از این دو حالت ایده آل تمایل دارند. زبان های هسته آغازی که در آن ها هسته همیشه قبل از وابسته می آید و زبان های فعل پایانی که در آن ها هسته همیشه بعد از وابسته می آید. یکی از اهداف درایر ارائه شواهدی علیه این نظریه است (همان، ۸۷).

درایر با بیان مشکلات نظریه هسته - وابسته، نظریه سوی انشعاب را جایگزین آن کرده است. در این نظریه الگوسازهای فعلی مقولات غیرگروهی^۹ (غیرانشعابی^{۱۰}، واژگانی) و الگوسازهای مفعولی مقولات گروهی^{۱۱} (انشعابی^{۱۲}) هستند؛ یعنی یک جفت عامل X و Y بیشتر آرایش XY را در زبان های فعل آغازی اتخاذ می کنند، در صورتی که X یک مقوله غیرگروهی و Y یک مقوله گروهی باشد. مطابق این نظریه، زبان ها به یکی از این دو حالت ایده آل تمایل دارند: زبان های راست انشعابی^{۱۳} که در آن ها مقولات گروهی بعد از مقولات غیرگروهی می آیند و زبان های چپ انشعابی^{۱۴} که در آن ها مقولات گروهی قبل از مقولات غیرگروهی می آیند (همان، ۸۹).

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۲۳-۳۰) ۲۴ جفت همبستگی موجود در زبان فارسی را بررسی کرده است و وضعیت زبان فارسی را در ارتباط با هر یک از آن جفت ها با دو ستون از جدول مربوط به آن جفت همبستگی در مقاله درایر سنجیده است. یک ستون مربوط به منطقه اروپا - آسیاست (به دلیل قرارگرفتن زبان فارسی در این منطقه) و همچنین ستون جمع که وضعیت زبان فارسی را در مقایسه با زبان های جهان مشخص می کند. گفتنی است از این ۲۴ مؤلفه، ۱۹ مورد از مقاله درایر (۱۹۹۲) گرفته شده اند و بقیه مؤلفه ها از پایگاه داده های وی - که آمار مربوط به آن در اختیار نگارندگان قرار گرفته است - برگزیده شده اند. در پژوهش حاضر بر اساس پژوهش دبیرمقدم همین ۲۴ مؤلفه درباره گویش های خوزستان بررسی می شوند و نتایج حاصل با منطقه اروپا - آسیا و همچنین جهان مقایسه می شوند و در جدول هایی ارائه خواهند شد.

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

یک نمونه از جدول‌های درایر که مربوط به مؤلفه حرف اضافه است برای روشن‌شدن مطلب در این بخش معرفی می‌شود (اختصارات: ف= فعل، م= مفعول):

جدول ۱ - نوع حرف اضافه (درایر، ۱۹۹۳: ۸۳)

آفریقا	اروپا - آسیا	جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه	استرالیا - گینه نو	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	جمع کل
۱۵	۲۶	۵	۱۷	۲۵	۱۹	۱۰۷
م - ف و پس- اضافه						
۳	۳	۰	۱	۰	۰	۷
م - ف و پیش- اضافه						
۴	۱	۰	۰	۳	۴	۱۲
ف - م و پس- اضافه						
۱۶	۸	۱۵	۶	۲۰	۵	۷۰
ف - م و پیش- اضافه						

در این جدول، اعداد تعداد «گروه‌زبان»^{۱۵}هایی را نشان می‌دهد که شامل زبان‌هایی از نوع ارائه‌شده در منطقه مذکور می‌شود. نخستین خط جدول شماره ۱ تعداد گروه زبان‌ها را در هر شش منطقه‌ای نشان می‌دهد که شامل زبان‌های فعل‌پایانی با پس‌اضافه هستند. دومین خط، زبان‌های فعل‌پایانی دارای پیش‌اضافه را نشان می‌دهد. در ستون سمت چپ، گروه زبان‌هایی هستند که شامل زبان‌هایی از هر گونه در کل جهان می‌شوند. در جدول ۱ تفاوت این مجموع‌ها (۷ مقابل ۱۰۷) آنقدر زیاد است که نشان‌دهنده تمایل شدید زبان‌های فعل‌پایانی به پس‌اضافه‌ای بودن است. آزمون آماری شامل مقایسه تعداد هرگونه زبانی در هر شش منطقه است و تعداد گروه‌زبان‌های شامل

زبان‌هایی که فعل‌پایانی و پس‌اضافه‌ای هستند از تعداد گروه‌زبان‌های شامل زبان‌های فعل‌پایانی و پیش‌اضافه‌ای در هر شش منطقه بیشتر است. بنابراین تمایل به پیش‌اضافه‌ها در زبان‌های فعل‌پایانی از نظر آماری معنادار است. دو خط آخر داده‌های قابل مقایسه‌ای را برای زبان‌های فعل‌آغازین ارائه می‌دهد. در اینجا تعداد زبان‌های فعل‌آغازین و پیش‌اضافه‌ای از تعداد زبان‌های فعل‌آغازی و پس‌اضافه‌ای در هر شش منطقه بیشتر است که نشان‌دهنده تمایل معنادار آماری برای زبان‌های فعل‌آغازی با به‌کارگیری پیش‌اضافه است و نه پس‌اضافه (دراپر، ۱۹۹۲: ۸۵-۸۴). برای مثال زبان فارسی دارای آرایش مفعول - فعل و پیش‌اضافه است که بر اساس این جدول در مقایسه با منطقه اروپا - آسیا زبان فعل‌پایانی ضعیف (۳ در برابر ۲۶) و در مقایسه با گروه‌زبان‌های جهان نیز فعل‌پایانی ضعیف (۷ در برابر ۱۰۷) است. به همین ترتیب، زبان فارسی از نظر این مؤلفه در مقایسه با رده فعل - مفعول هم در منطقه اروپا - آسیا (۸ در برابر ۱) و هم در جهان (۷۰ در برابر ۱۲) جزو زبان‌های فعل‌آغازی قوی به‌شمار می‌رود.

۵. بررسی مؤلفه‌های آرایش واژگان در چهار گویش خوزستان

در این بخش به بررسی مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه در گویش‌های مورد بحث پرداخته می‌شود.^{۱۶} گفتنی است تعداد مثال‌های جمع‌آوری‌شده هر گویش بسیار فراوان است؛ اما فقط به آوردن یک مثال از هر گویش بسنده می‌شود و در مواردی نیز با توجه به فراوانی تعداد مثال‌ها (مانند حروف اضافه) یا بدیهی بودن مطلب و یکسان بودن معادل‌ها در هر چهار گویش، مثالی آورده نشده است.

۵-۱. نوع حرف اضافه در این گویش‌ها (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه)

با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده از گویش‌وران بومی و همچنین منابع موجود در این زمینه، اکثر حروف اضافه در این گویش‌ها همگی از نوع پیش‌اضافه هستند؛ البته دو گویش دزفولی و شوشتری هنوز بقایایی از کاربرد پس‌اضافه «را» را برای مفعول غیر صریح حفظ کرده‌اند.^{۱۷} از نظر معادل حروف اضافه بین این گویش‌ها و فارسی معیار تفاوت‌هایی وجود دارد. حروف اضافه اصلی در گویش بهبهانی - که با فارسی معاصر از نظر معادل متفاوت‌اند - عبارت‌اند از: /æ/ به معنی به، از: /dɪm/ به معنی با؛ /te/ و /tu/

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

به معنی در، داخل، دورن؛ /se/ به معنی برای؛ /bi/ به معنی بدون، /væl/ به معنی کنار، نزد، پیش، /sær/ به معنی روی، بالای، /tɒ/ برای بیان فاصله زمانی یا مکانی.
حروف اضافه اصلی در گویش دزفولی که با فارسی تفاوت دارند، عبارت‌اند از: /Pe/ به معنی با، /men/ به معنی در، داخل، /si/ به معنی برای، /sær/ به معنی روی، بالای.
در گویش شوشتری حروف اضافه /pej/ به معنی با، /mi:n/ به معنی در، داخل، /dɒmɒ/ به معنی پشت، /mendzi/ به معنی وسط، /vær/ به معنی کنار و پیش، متفاوت از فارسی معیار هستند.
و در نهایت حروف اضافه اصلی متفاوت از فارسی در گویش هندیجانی نیز بدین قرارند: /mi/ به معنی در، داخل، /si/ به معنی برای، /Pej/ به معنی با، /vær/ به معنی کنار، نزدیک.

۲-۵. توالی مضاف و مضاف‌الیه

در چهار گویش مورد بحث همانند فارسی معیار، مضاف قبل از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد:

پسر محمد (بهبهانی)

ps =e mæmmæd
son=EZ Mohammad

برادر رضا (دزفولی)

berær=e ræzɒ
brother=EZ Reza

پسرخواهر علی (شوشتری)

ku? æk=e xɒ r=e ? æli
son=EZ sister=EZ Ali

کتاب آن‌ها (هندیجانی)

ketɒ b=e ? uʃ un
book=EZ they.GEN

۳-۵. توالی صفت و مبنای مقایسه

در این گویش‌ها هر دو آرایش صفت + مبنای مقایسه و مبنای مقایسه + صفت رایج است؛ بنابراین در ستون مربوط به این مؤلفه، هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است. البته در بررسی داده‌ها و پرسش از گویش‌وران مشخص شد که تمایل به کاربرد آرایش

صفت + مبنای مقایسه، بیشتر است. در سه گویش بهبهانی و دزفولی و هندیجانی وقتی از آرایش صفت + مبنای مقایسه استفاده می‌شود، حرف اضافه «از» به واکهٔ /e/ تخفیف می‌یابد و به صورت پی‌بستی به صفت برتر متصل می‌شود. با توجه به مشابه بودن و وضوح مثال‌ها، فقط مثال‌های بهبهانی ذکر می‌شود.

بزرگ‌تر از آن‌ها (بهبهانی)

gæv-ter=e ? uʃ u
old-er =than them .DAT

از آن‌ها بزرگ‌تر (بهبهانی)

? æ ? uʃ u gæv-ter
than them.DAT old-er

۴-۵. توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای

در این گویش‌ها گروه حرف‌اضافه‌ای هم قبل از فعل و هم بعد از فعل قرار می‌گیرد. آن‌ها روی زمین نشستند (بهبهانی).

? ɔ ʃ u sær=e zemi n ʃ æss-en
they on=EZ ground sit.PST.3SG

یا آن‌ها نشستند سر زمین (بهبهانی).

? ɔ ʃ u ʃ æss-en sær=e zemi n
they sit.PST.3SG on=EZ ground

من به دیوار تکیه دادم (دزفولی).

mɔ vær di vɔ r tekje dɔ m-æ
I to wall lean do.PST-1SG

یا من تکیه دادم به دیوار.

mɔ tekje dɔ m-æ vær di vɔ r
I lean do.PST-1SG to wall

آمد وسط من و او نشست (شوشتری).

? umæd mendʒ i mɔ =ne ? u nef es
come.PST.3SG between I=and he/she sit. PST.3SG

۵-۵. توالی هستهٔ اسمی و بند موصولی

در این گویش‌ها در جملات مرکب، مانند فارسی معیار همیشه هستهٔ اسمی قبل از بند موصولی قرار می‌گیرد. برای نمونه مثال‌های بهبهانی و دزفولی آورده می‌شود.

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

مردی که با شما صحبت می‌کرد، معلم است (بهبهانی).

mærd-i ke dɪ m=e ʃ ɔ mɒ je hærf
man-INDF which to=EZ you EZ talk
mɪ - ze mɔ ʔ ælem-i
PROG-hit.PST.3SG teacher-be.PST.3SG

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم (دزفولی).

۵-۶. توالی فعل و قید حالت

قید حالت در این گویش‌ها معمولاً قبل از فعل می‌آید؛ ولی مواردی از آمدن قید حالت بعد از فعل نیز در دوگویش دزفولی و بهبهانی مشاهده می‌شود و این کاربرد نیز کاملاً عادی است.

نوزاد به آرامی خوابیده بود (بهبهانی).

nɔ zɒ d-eku ʔ ɒ rum xɔ sɪ d-e bɪ
child-DEF calmly sleep.PST-PRF be.PST.3SG

نگران نباش، یاد می‌گیری کم کم (بهبهانی).

næ negærɒ ni bæ, jɒ d me-ger-æ
PROH worried be.PRS.3SG memory IND-take.PRS-2SG
kem kemaj
little little

آهسته از اتاق بیرون رفت (دزفولی).

yævpʃ ʔ æ ʔ ɔ tɒ q kəʊr dær
stealthy from room go.PST.3SG out

کارهایش را باعجله انجام داد و رفت (شوشتری، به نقل از وزیری، ۱۳۶۴: ۱۵۱).

kɒ r-ɒ =ʃ =æ hɔ læki kɔ rd ræft
work-PL=his/he=RA hastily do.PST.3SG go.PST.3SG

آهسته از اتاق بیرون رفت (هندیجانی).

yævpʃ ʔ æ ʔ ɔ tɒ q kəʊr dær
stealthy from room go.PST.3SG out

۵-۷. توالی فعل اسنادی و گزاره (مسند)

در این گویش‌ها گزاره یا مسند نیز همیشه قبل از فعل می‌آید. مثال‌ها از هندیجانی و شوشتری بیان می‌شوند.

آن مردان و زنان خوب هستند (شوشتری).

ʔ u mɪ r=un=ɔ zæn=un=ke xub-en

that man=PL=and woman=PL=DEF good-be.PRS.3PL
گوسفند در آغل است (هندیجانی).

bære mi :n tævi le=æs
lamb in stable=be.PRS.3SG

۵-۸. توالی موصوف و صفت

در این گویش‌ها همانند زبان فارسی، صفت بعد از فعل می‌آید. مثال‌ها از هندیجانی و شوشتری آورده شده است.

خانه محکم (شوشتری)

xune=je qp jɔ m
house=EZ strong

پسر کوچک (هندیجانی)

xune=je qp jɔ m
house=EZ strong

۵-۹. توالی صفت اشاره و اسم

در بهبهانی، دزفولی و شوشتری صفت اشاره همیشه قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ ولی در گویش هندیجانی صفت اشاره بعد از اسم می‌آید.

آن مرد (بهبهانی)

? u mærd-æ
That man- DEF

این خیابان (دزفولی و شوشتری)

? i xi jɔ bun
this street

آن مرد (هندیجانی)

mærd=ə vɔ
man=EZ that

این خیابان (هندیجانی)

xi jɔ bun=i jɔ
street=this

۵-۱۰. توالی قید مقدار و صفت

در این گویش‌ها قید مقدار همیشه قبل از صفت می‌آید که در مثال‌های زیر مشهود است. با توجه به وضوح مطلب فقط نمونه هندیجانی آورده می‌شود.

آرایش واژگان در گویش های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

به شدت گرم (هندیجانی)

mæli gærm
very hot

۱۱-۵. توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان / نمود

در این چهار گویش از فعل کمکی برای بیان زمان آینده استفاده نمی شود و زمان حال استمراری برای اشاره به آینده نیز به کار می رود. در دو گویش بهبهانی و هندیجانی برای نشان دادن نمود ناقص در زمان های ماضی مستمر و مضارع مستمر، نیز از فعل کمکی استفاده نمی شود. در گویش بهبهانی از قید زمان /ɪssæ/ به معنی «الان» برای این زمان ها استفاده می شود که معنای در جریان بودن کار را نشان می دهد. همچنین در گویش هندیجانی برای بیان نمود ناقص در زمان های گذشته و حال مستمر از قید تکرار /hej/ در معنای استمرار و در جریان بودن کاری استفاده می شود.^{۱۸} آن مرد خواهد آمد (بهبهانی).

? u mærd-æ mi -ti
that man-DEF PROG-come.PRS.3SG

خورشید دارد طلوع می کند (بهبهانی).

? æftɔ tɔ lɔ mi -kɔ
sun rise PROG-do.PRS.3SG

فعل کمکی بودن که برای بیان زمان ماضی بعید به کار می رود، در این گویش همانند فارسی معیار بعد از فعل اصلی قرار می گیرد. بچه ها کنار حوض نشسته بودند (بهبهانی).

bætʃ e-ku væle hɔ z ʃ ass-e bɪ d-en
child-PL near pool sit[PST]-PRF be.PST-3PL

در گویش های دزفولی و شوشتری، فعل کمکی بیان کننده نمود ناقص در زمان های حال مستمر و گذشته مستمر، قبل از فعل اصلی قرار می گیرد و فعل کمکی زمان گذشته بعید نیز بعد از فعل اصلی می آید. بنابراین هر چهار خانه جدول از نظر این مؤلفه علامت خورده است.

داشتم غذا می خوردم (دزفولی).

ɒɔ ʃ t-ɔ m qeɪɔ be-xɔ ærd-ɔ m

have.PST-1SG food PROG-eat.PRS-1SG

بچه ها کنار حوض نشسته بودند (دزفولی).

bætʃ -un kenə re həuz nesæ bi d-æn
child-PL near pool sit.PST be.PST-3PL.PRF

خورشید دارد طلوع می کند (شوشتری).

? æftə dɒ r-e tɒ lu ? æ-kɔ n-e
sun have.PRS-3SG rise PROG-do.PRS-3SH

ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم (شوشتری).

kɒʃ ? æ ? ævæl hæqɪ qæt=ɔ ɡɔ ft-ɔ m=ɛʃ

wish from first truth=RA tell.PST-1SG=him/her.DAT

bi d
be.PST.3SG

داشتم ناهار می خوردم (هندیجانی).

dɪ ɡ hej tʃ ɒ st ? i-xærd-ɔ m
yesterday continually lunch PROG-eat.PST-1SG

ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم.

kɒʃ kɪ væ ? avæl hæqɪ qæt=ɔ ɡɔ te bi d-ɔ m=ɛʃ
I wish from first truth=RA tell.PRF be.PSt-1SG=him/her.DAT

همان گونه که بیان شد در هندیجانی نیز از زمان حال استمراری برای اشاره به آینده

استفاده می شود و از فعل کمکی برای زمان آینده استفاده نمی شود. همچنین برای

زمان های ماضی و مضارع مستمر نیز به جای فعل کمکی داشتن از قید حالت /hej/ در

معنای استمرار استفاده می شود. در زمان ماضی بعید نیز فعل کمکی «بودن» بعد از فعل

اصلی قرار می گیرد.

۱۲-۵. توالی ادات استفهام و جمله

ادات استفهام «آیا» در این گویش ها معمولاً حذف می شود و جمله پرسشی با آهنگ

کلام از جمله خبری مجزا می شود؛ ولی در صورت ظهور، در اول جمله قرار می گیرد.

آیا آن مرد آنجاست؟ (بهبهانی)

? ejkɔ ? u mærd-æ ? undʒ ɒ n-æ?
whether that man-Def over there-be.PRS.3SG

آیا شما غذا خورده اید؟ (دزفولی دو شوشتری)

ɒ jɒ ʃ ɔ mɒ tʃ i xuærd-i -jæ?

آرایش واژگان در گویش های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

whether you something eat .PST-2PL-PRF

آیا آن مرد آنجاست؟ (هندیجانی)

? ɪ go mærdæ=vu undʒ en=æ?

whether man=that there=be. PRS.3SG

۱۳-۵. توالی حرف ربط قیدی^{۱۹} و بند

حرف ربط قیدی، در هر چهار گویش قبل از بند پیرو می آید.

وقتی که آن ها به اصفهان برسند، به ما اطلاع می دهند (بهبهانی).

væqtɪ ? uʃ u re-ses-en esfəhu ? æ mɒ xæbær
mɪ d-en

when they SUBJ-reach.PRS.3Pl Esfəhan to us news give.PRS-3PL

وقتی که سیل آمد، آن ها داشتند چه کار می کردند؟ (دزفولی)

væqtɪ seɪl ? um-æ, hɒ nun dɒʃ t-æn tʃ e be-kəurd-en?
when flood come-3SG they have.PST-3PL what ROG-do.PST-3PL

هنگامی که می خواستم از پله ها پایین بیایم، ... (شوشتری).

? usu ke mɪ -xɒ st-ɔ m ? æ pelle-hɒ bɪ -jɒ -m
dume

when that PROG-want.PST.1SG from stair-PL SUBJ-come.PRS-1SG down

۱۴-۵. توالی حرف تعریف و اسم

در هر چهار گویش حرف تعریف /ɪ/ که نشانهٔ نکره است، بعد از اسم می آید که با

فارسی معیار مطابق است. در بهبهانی^{۲۰} حرف تعریف معرفه /æku/ نیز بعد از اسم

می آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد.

کتاب

ketɒ b-æku
book- DEF

مرد

mærd-æku
Man- DEF

کتابی

jæ ketɒ b-ɪ
A book-INDF

خانه‌ای (دزفولی)

həʊf =ɪ

Hhouse=INDF

در گویش شوشتری نیز حرف تعریف معرفه /kæ/ نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد.

مرد (شوشتری)

mɪ r=kæ

man=INDf

خانه (شوشتری)

xune=kæ

house=INDF

۵-۱۵. توالی فعل و فاعل

در این گویش‌ها همانند فارسی معیار، فاعل قبل از فعل قرار می‌گیرد.

عبدالله فردا صبح می‌رود (بهبهانی)

ʔ æbdɛlɒ sæbɒ sɔ b mɪ -ʃ u
Abdollah tomorrow morning PROG-go.PRS.3SG

حسن علی را در باغ دید (دزفولی)

hæsæn ʔ ælɪ =jæ mej bɒ q dɪ d
Hasan Ali=RA in garden see.PST.3SG

۵-۱۶. توالی عدد و اسم

در هر چهار گویش اعداد قبل از اسم قرار می‌گیرند.

۵-۱۷. توالی وند زمان / نمود و ستاک فعل

در گویش بهبهانی وند نمود استمراری که دارای تک‌واژه‌های /me/ و /mi/ است، همیشه قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شود. وند نشانه ماضی نقلی /e/ برای همه اشخاص بعد از ستاک فعل و شناسه قرار می‌گیرد.

من می‌خورم (بهبهانی)

me mɔ -xɔ r-æm
I PROG.eat.PRS-1SG

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

در گویش‌های دزفولی و شوشتری نیز وند نمود استمراری (در دزفولی و شوشتری /be/ و در هندیجانی /ʔi/ همیشه قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شود. همچنین وند نشانه ماضی نقلی /æ/ در دزفولی و شوشتری و /e/ در هندیجانی برای همه اشخاص بعد از ستاک فعل (و خلاف فارسی بعد از شناسه) قرار می‌گیرد.
می‌رسیم (دزفولی و شوشتری)

be-ræs-i m
PROG-reach.PRS-1PL

رفته‌اند (دزفولی و شوشتری)

ræft-en-æ
Go.PST -3PL-PRF

خورده‌ام (ندیجانی)

xærd-ɔ m-e
eat.PST-1SG-PRF

در بهبهانی وند نشانه ماضی نقلی /e/ بعد از ستاک فعلی، اما قبل از شناسه قرار می‌گیرد.

آن‌ها رفته‌اند (بهبهانی)

ʔ uʃ u ræt-e-jen
they go.PST-PRF-3PL

۱۸-۵. توالی اسم و تک‌واژ آزاد ملکی

در هر چهار گویش این تک‌واژ بعد از اسم می‌آید که در ادامه در مثال‌ها مشخص است.
کتابم (بهبهانی)

ketɒ b=æm
Book=my.GEN

کتاب من (بهبهانی)

ketɒ b=e me
Book=EZ my.GEN

دوستش (دزفولی)

ræfɪ q=eʃ
Friend=his/her.GEN

دوست او (دزفولی)

ræfɪ q=e ʔ u
Friend=EZ he/she .GEN

در نمونه‌های شوشتری و هندیجانی نیز به همین ترتیب تک‌واژ آزاد ملکی بعد از اسم می‌آید که برای جلوگیری از تکرار، مثال‌ها آورده نمی‌شوند.

۱۹-۵. توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن

فعل کمکی توانستن در هر چهار گویش قبل از فعل می‌آید. می‌توانم بخوابم (بهبهانی).

mɔ -tun-æm bɔ -xɔ s-æm
PROG-can-1SG SUBJ-sleep.PRS-1SG

شما نمی‌توانید این کار را بکنید (دزفولی).

ʃ ɔ mɔ næ-tær-i ? i : kɔ r=æ kɔ n-i
you NEG-can-2PL this work=RA SUBJ.do.PRS -2PL

می‌توانند بروند (شوشتری).

tær-en ræv-en
can-3PL go.PRS.SUBJ-3PL

امیدوارم بتوانم برایش کاری بکنم (هندیجانی).

? ɔ mɪ dɔ r=æm be-tɔ r-ɔ m sɪ =ʃ je kɔ r-
I I wish=be.PRS.1SG PROG-can.PRS-1SG for=him/her.DAT a work-INDF
kɔ n-æm
do.PRS-1SG

۲۰-۵. توالی متمم‌نما و جمله متمم

متمم‌نما نیز در هر چهار گویش قبل از جمله متمم می‌آید.

من می‌دانم که آن مرد مهربان است (بهبهانی).

me mɔ -dun-ɔ m ke ? u mærd-æ mejræbun-i
I PROG-know-1SG that that man-DEF kind-be.PRS.3SG

علی بود که کتاب را به زهرا داد (دزفولی).

? lɪ bɪ d ke ketɔ b=æ dɔ vɔ zæɾɔ
Ali be.PST.2SG that book=RA give.PST.3SG to Zahra

تازه خوابیده بودم که مرا صدا کردی (شوشتری).

tɔ ze xɔ ft-i d-ɔ m bɪ d ke
mɔ =nɔ bæung
just sleep.PST-PRF-1SG be.PST.3SG that me=RA call
kæurd-i
do.PST-2SG

آرایش واژگان در گویش های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

۵-۲۱. حرکت پرسش واژه

در این گویش ها پرسش واژه در جایگاه اصلی خود باقی می ماند و لزوماً به اول جمله حرکت نمی کند. این امر در مثال های زیر مشهود است. مثال های شوشتری و هندیجانی نیز به همین ترتیب عمل می کنند.

این مرد کیست؟ (بهبهانی)

? ɪ mærd-æ kɪ =jæ?
This man-DEF who=be.PRS.3SG ?

پسرت کی از مدرسه به خانه می آید؟ (دزفولی)

kuæk=et kej ? æ mædresæ mɪ -jɔ xunæ?
son=your:GEN when from school PROG-come.PRS.3SG home?

۵-۲۲. توالی مفعول و فعل

مفعول در این گویش ها زمانی که به صورت یک گروه است قبل از فعل قرار می گیرد و هنگامی که به صورت بند است هم قبل از فعل و هم بعد از آن قرار می گیرد.

حسن علی را در باغ دید (بهبهانی).

hæsæn=ej ? ælɪ te bɒ q dɪ
Hassan.ACC=3SG Ali in garden see.PST.3SG

تقریباً نصف غذا را خورده بودم (دزفولی).

tæqrɪ bæn nesf=e qæzɒ -=n=e xu? ærd-ɔ m bɪ d
about half=EZ food-EU=RA eat.PRF-1SG be.PST.3SG

سیب ها را از درخت چیدند (شوشتری).

sɪ b=ɒ -n=e ? æz deræx kænd=en
apple=PL-EU=Ra from tree pick.PST-3PL

۵-۲۳. توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

وند منفی ساز در هر چهار گویش قبل از ستاک فعلی می آید.

غذا نخورده بودم (بهبهانی).

qezɒ =m næ-xærd-e bɪ
food=1SG NEG-eat.PST-PRF be.PST.3SG

نمی خورم (دزفولی).

Næ-m-xuær-ɔ m
NEG-PROG-eat.PRS-1SG

نمی توانم بخوانم (شوشتری).

næ-tær-ɔ m xun-ɔ m
NEG-can.PRS-1SG SUBJ.read.PRS-1SG

نخوردم.

næ-xærd-ɔ m
NEG-eat.PST-1SG

۲۴-۵. توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو

در این چهار گویش همانند فارسی معیار، فعل خواستن قبل از فعل بند پیرو می آید.

من می خواهم درس بخوانم (بهبهانی).

me=m mi dærs bɔ -xun-æm
I=1SG want.PRS.3SG lesson SUBJ-study- 1SG

احمد می خواهد به سفر برود (دزفولی).

? æhmæd mæ-x-u rɔ -? æ sæfær
Ahmad PROG-want .PRS-3SG go.PRS-3SG travel

دلم می خواهد که تو اینجا بمانی (شوشتری).

del=ɔ m mæx-u ke tɔ ? i ndʒ ɔ mæn-i
Heart=my want.PRS-3SG that you here SUBJ.stay.PRS-2SG

احمد می خواهد به سفر برود (هندیجانی).

? æhmæd mæx-u ræv-e sæfær
Ahmad want .PRS-3SG go.PRS-3SG travel

در جدول های شماره ۲ تا ۴ خلاصه رفتار این گویش ها بر اساس مؤلفه های ۲۴ گانه

نشان داده شده است. همچنین در جدول های پیوست، رفتار هر گویش به طور جداگانه

در مقایسه با زبان های اروپا - آسیا و زبان های جهان مشخص شده است.

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

جدول ۲ - مقایسه مؤلفه‌های آرایش واژگان زبان فارسی با گویش‌های بهبهانی،

دزفولی، شوشتری و هندیجانی

گویش/زبان	فارسی و زبان‌های اروپا - آسیا	فارسی و زبان‌های دنیای اروپا - آسیا	بهبهانی و زبان‌های دنیای اروپا - آسیا	دزفولی و زبان‌های اروپا - آسیا	دزفولی و زبان‌های دنیای اروپا - آسیا	شوشتری و زبان‌های اروپا - آسیا	شوشتری و زبان‌های دنیای اروپا - آسیا	هندیجانی و زبان‌های اروپا - آسیا	هندیجانی و زبان‌های دنیای اروپا - آسیا
فعل پایانی قوی	۱۲	۱۵	۱۲	۱۵	۱۲	۱۵	۱۲	۱۱	۱۴
فعل پایانی ضعیف	۱۵	۱۳	۱۵	۱۳	۱۶	۱۳	۱۵	۱۶	۱۳
فعل میانی ضعیف	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۰	۱۱	۹
فعل میانی قوی	۱۷	۱۹	۱۷	۲۰	۱۸	۲۰	۱۸	۱۶	۱۸

جدول ۳ - گویش‌های خوزستان در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا

گویش	همبستگی با آرایش فعل - پایانی قوی	همبستگی با آرایش فعل میانی قوی
بهبهانی	۱۲	۱۷
دزفولی	۱۳	۱۸
شوشتری	۱۳	۱۸
هندیجانی	۱۱	۱۶

جدول ۴ - گویش‌های خوزستان در مقایسه با زبان‌های جهان

گویش	همبستگی با آرایش فعل پایانی قوی	همبستگی با آرایش فعل میانی قوی
بهبهانی	۱۵	۲۰
دزفولی	۱۶	۲۰
شوشتری	۱۶	۲۰
هندیجانی	۱۴	۱۸

نتیجه گیری

وضعیت رده‌شناختی گویش‌های فارسی خوزستان بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها بررسی شد. همان‌گونه که در جدول‌ها مشاهده می‌شود، زبان فارسی و گویش‌های بهبهانی، دزفولی، شوشتری در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا ۱۲ مؤلفه و گویش هندیجانی در ۱۱ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی را دارند. همچنین زبان فارسی و سه گویش اول در مقایسه با زبان‌های جهان هر کدام ۱۵ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی را دارند و فقط گویش هندیجانی ۱۴ مؤلفه فعل‌پایانی قوی را دارد.

همچنین در ردیف آخر جدول، داده‌ها بیانگر آن است که زبان فارسی و گویش بهبهانی در مقایسه با زبان‌های اروپا و آسیا ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را دارند. دو گویش دزفولی و شوشتری در مقایسه با زبان‌های اروپا و آسیا ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی و گویش هندیجانی ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را دارد. سه گویش بهبهانی، دزفولی و شوشتری نیز در مقایسه با زبان‌های جهان هر کدام دارای ۲۰ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی و گویش هندیجانی دارای ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی است.

همچنین می‌توان به تفاوت‌های جزئی‌تر بین این گویش‌ها و زبان فارسی اشاره کرد. نخستین تفاوت بین فارسی و این چهار گویش مربوط به توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۲۴) معتقد است در فارسی گروه حرف‌اضافه‌ای قبل از فعل قرار می‌گیرد؛ در حالی که در این چهار گویش هم قبل از فعل و هم بعد از آن می‌آید و بنابراین در جدول، در ستون مربوط به این مؤلفه هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است.

تفاوت دوم مربوط به توالی اسم و صفت اشاره است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در سه گویش بهبهانی، دزفولی و شوشتری صفت اشاره همیشه مانند فارسی معیار قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ ولی در گویش هندیجانی صفت اشاره بعد از اسم می‌آید. گفتنی است در این چهار گویش از فعل کمکی برای بیان زمان آینده استفاده نمی‌شود و زمان حال استمراری برای اشاره به آینده نیز به‌کار می‌رود. علاوه‌براین در دو

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

گویش بهبهانی و هندیجانی برای نشان‌دادن نمود ناقص در زمان‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر، نیز از فعل کمکی (داشتن) استفاده نمی‌شود.

در مؤلفه توالی حرف تعریف و اسم در هر چهار گویش حرف تعریف / I / که نشانه نکره است، بعد از اسم می‌آید که با فارسی معیار مطابق است؛ ولی در این گویش‌ها حرف تعریف معرفه نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد. البته در فارسی گفتاری نیز گاهی اوقات حرف تعریف معرفه به صورت /e/ یا /æ/ به اسم متصل می‌شود.

تفاوت ظریف دیگر در نظام تصریفی فعل‌ها این است که وند نشانه ماضی نقلی /æ/ در دزفولی و شوشتری و /e/ در هندیجانی برای همه اشخاص بعد از ستاک فعل و بعد از شناسه قرار می‌گیرد؛ در حالی که در فارسی قبل از شناسه فعلی می‌آید.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش با توجه به جدول‌های ۳ و ۴ مشخص شد که این چهار گویش هم در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های دنیا، به رده فعل - میانی قوی گرایش دارند. دبیرمقدم معتقد است زبان‌های ایرانی نو، از نظر مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، وضعیتی بینابین در حدفاصل میان نمونه‌اعلای زبان‌های رده فعل میانی قوی و نمونه‌اعلای زبان‌های رده فعل پایانی قوی دارند. بنابراین در پاسخ به پرسش چهارم باید گفت که بر اساس آمادری به‌دست‌آمده رفتار رده‌شناختی این گویش‌ها با رده بینابین (آمیخته) که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی پیشنهاد کرده است، هماهنگ است.

در مورد مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک باید گفت که در این چهار گویش فقط در مؤلفه‌های ۱، ۹ و ۱۱ غیرمشترک هستند و گویش‌ها در ۲۱ مؤلفه دیگر رفتار مشترک دارند. درباره مؤلفه نهم، یعنی توالی صفت اشاره و اسم، در گویش هندیجانی خلاف سه گویش دیگر و زبان فارسی، صفت اشاره بعد از اسم می‌آید. همچنین درباره توالی فعل کمکی نمود/ زمان و فعل اصلی مشاهده شد که در دو گویش بهبهانی و هندیجانی خلاف گویش دزفولی و شوشتری و همچنین زبان فارسی، از فعل کمکی برای بیان زمان‌های ماضی و مضارع مستمر استفاده نمی‌شود. علاوه بر این

گفتنی است در دو گویش «دزفولی و شوشتری» بقایایی از کاربرد پس‌اضافه «را» برای مفعول غیر صریح حفظ شده است.

سخن آخر اینکه بررسی و تحلیل گویش‌های فارسی در سراسر ایران و حتی خارج از مرزهای ایران - با توجه به در معرض خطر بودن برخی از این گویش‌ها و عدم انتقال به نسل‌های بعدی در برخی از مناطق - حقایق ارزشمندی را درباره زبان فارسی به دست می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود آرایش واژگان در دیگر گویش‌های زبان فارسی نیز بر اساس رده‌شناسی زبان بررسی و تحلیل شود تا بتوان با بررسی مجموع نتایج به دست آمده، به حقایق جامع و کامل‌تری در ارتباط با زبان فارسی دست یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است با توجه به محدودیت صفحات و واژگان مجاز در مجله، در فرایند اصلاحات مجبور به حذف بسیاری از نکته‌ها، ازجمله پیشنهاد، روش تحقیق، مثال‌ها و نمونه‌ها و مبانی نظری شدیم؛ بنابراین با توجه به اینکه این مقاله بخشی از رساله دکتری است، خوانندگان علاقه‌مند را به رساله ارجاع می‌دهیم.

2. Principle of Natural Serialization

3. Head – Dependent Theory

4. Principle of Cross – category Harmony

۵. در حال حاضر درایر پایگاه داده‌های خود را تا ۱۸۰۰ زبان گسترش داده است.

6. Paraguayan Guarani

7. Unvala

8. Leipzig glossing rule

9. Non – Phrasal

10. Non – Branching

11. Phrasal

12. Branching

13. Right – Branching

14. Left – Branching

15. Genus

۱۶. در بخش پیوست برخی نمادها و علائم ارائه شده است.

۱۷. در این مورد برای بحث مفصل‌تر و دقیق‌تر ر.ک: حامدی شیروان، ۱۳۹۵: ۹۸-۱۰۱.

۱۸. این دو مورد در حامدی شیروان (۱۳۹۵) به خوبی با مثال‌های فراوان توضیح داده شده است.

19. Subordinator

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

۲۰. درباره بحث مفصل‌تر و دقیق‌تر حرف تعریف معرفه در گویش‌های بهبهانی، شوشتری، دزفولی و

هندیجانی ر.ک: حامدی شیروان، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۵.

پیوست

فهرست نمادها و علائم اختصاری

نشانه.....	توضیح نماد
.....	پیوند واجی در وندافزایی
=.....	پیوند واجی در واژه‌بست‌افزایی
1PL.....	اول شخص جمع
1SG.....	اول شخص مفرد
2PL.....	دوم شخص جمع
3PL.....	دوم شخص مفرد
3PL.....	سوم شخص جمع
3SG.....	سوم شخص مفرد
ABL.....	حالت ازی
AC.....	مفعول مستقیم
CMPR.....	نشانه صفت برتر
COP.....	فعل ربطی
DAT.....	مفعول غیرصریح
DEF.....	حرف تعریف معین (معرفه)
EU.....	واج میانجی
EZ.....	کسره اضافه
FUT.....	زمان آینده
GEN.....	حالت اضافی
IMP.....	وجه امری یا باء امر
IND.....	وجه اخباری
INDF.....	حرف تعریف نامعین (نکره)

INST.....	حالت بایی
NEG.....	تکواژ نفی
OBL.....	مفعول حرف اضافه
PASS.....	مجهول
PL.....	تکواژ جمع
PRF.....	زمان / نمود کامل
PROG.....	تکواژ نمود استمراری
PROH.....	تکواژ نهی
PRS.....	زمان حال
PST.....	زمان گذشته
RA.....	تکواژ «را»
SUBJ.....	وجه التزامی
ϕ.....	تکواژ صفر

ارزش آوایی نمادهای مشترک به کاررفته در واج‌نویسی گویش‌ها

æ.....	واکه موجود در واژه «دست»
e.....	واکه موجود در واژه «زشت»
i.....	واکه موجود در واژه «دیر»
ɔ.....	واکه موجود در واژه «مفت»
u.....	واکه موجود در واژه «بود»
□.....	واکه موجود در واژه «کار»
əu	واکه مرکب در دو گویش دزفولی و شوشتری
b.....	همخوان آغازین و میانی واژه «بابا»
tʃ.....	همخوان آغازین واژه «چنگ»

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

d.....	همخوان آغازین و پایانی واژه «داد»
f.....	همخوان آغازین واژه «فردا»
g.....	همخوان آغازین و پایانی واژه «گرگ»
h.....	همخوان آغازین و پایانی واژه «همراه»
dʒ.....	همخوان آغازین واژه «جمع»
k.....	همخوان آغازین واژه «کم»
L.....	همخوان آغازین و پایانی واژه «لال»
m.....	همخوان آغازین واژه «مادر»
n.....	همخوان آغازین و پایانی واژه «نان»
P.....	همخوان آغازین واژه «پیر»
r.....	همخوان پایانی واژه «کار»
s.....	همخوان آغازین واژه «سرد»
ʃ.....	همخوان آغازین واژه «شش»
t.....	همخوان آغازین واژه «تمیز»
w.....	همخوان لبی‌نرم‌کامی در واژه «روشن» در بعضی مناطق
x.....	همخوان آغازین واژه «خدا»
j.....	همخوان آغازین واژه «یک»
z.....	همخوان آغازین واژه «زن»
ʒ.....	همخوان آغازین واژه «ژاکت»
ʔ.....	همخوان انسدادی چاکنایی (همزه)
v.....	همخوان آغازین واژه «وقت»

منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۹). «الگوی برای جمع‌آوری داده‌های گویشی و تنوعات لهجه‌ای و تهیه نقشه زبان‌شناسی (اطلس زبانی)». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان. برگرفته از http://www.conf.semnan.ac.ir/uploads/goyesh_kaviri/jeld1/1.pdf.
- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۷۲). *آرایش سازه‌ها در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بابایی‌بزاز، پروانه (۱۳۷۴). *بررسی گویش دزفولی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- حامدی‌شیروان، زهرا (۱۳۹۵). *بررسی آرایش واژه‌ها و حالت‌نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹). *فرهنگ تطبیقی- موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۱ و ۲. تهران: سمت.
- راستی‌بهبهانی، امید (۱۳۸۸). *گویش بهبهانی، دستور صرفی، واژگان معمول*. تهران: طرح و اجرای کتاب
- ----- (۱۳۹۱). «بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران*. ش ۳. صص ۶۱-۸۴.
- رضاپور، ابراهیم (بی‌تا). «ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان». *جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین ۹ شهریور ۱۳۹۳.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۳). *توصیف و تبیین آرایش واژه‌ها در فارسی معاصر براساس ملاحظات رده‌شناختی*. رساله دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ----- (۱۳۸۷). «آرای هاو کینز در حوزه رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. ش ۱ (۷). صص. ۷۷-۹۲.
- صمیمی، احمدصادق (۱۳۸۳). *امثال، اصطلاحات، تعبیرات و واژگانی چند در گویش دزفولی*. تهران: نشانه.

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان... _____ زهرا حامدی شیروان و همکاران

- قوی‌مفرد، نگار (۱۳۷۳ - ۷۴). بررسی فرهنگ، آداب و رسوم و گویش محلی مردم هندیجان. طرح پژوهشی منتشرنشده. خوزستان: دفتر پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کدخدای‌طراحی، مهدی (۱۳۸۵). *دستور لهجه شوشتری*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.

- کلباسی، ایران (۱۳۸۳). «گونه‌گونی‌های فراوان زبانی در ایران، حتی در نقاط مجاور یکدیگر». *پیک نور* ۲، ش ۳. صص ۲۵ - ۵۱.

- گرامی، شهرام (۱۳۸۵). «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ویژه‌نامه زبان‌انگلیسی و زبان‌شناسی*. ش ۱. صص ۱۰۸-۱۲۶.

- معماری، مهران (۱۳۸۹). *بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش بهبهانی*. اهواز: کردگار.

- میردهقان، مهین‌ناز و مهمانچیان ساروی، شیرین (۱۳۹۰). «آرایش واژگانی در جملات خبری گویش آتنی (ساروی) در چارچوب نظریه بهینگی». *جستارهای زبانی*. ش ۳. صص ۵۳ - ۸۳.

- نجات‌علی، نصرالله (۱۳۹۱). *فرهنگ و گویش دزفولی*. قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.

- وزیری، عبدالله (۱۳۶۴). *فارسی شوشتری*. تهران: وزیری.

- Bader, M. & J. Hussler (2010). "Word order in German: A corpus study". *Lingua*. no. 120(3). pp.717-762
- Bradshaw, J. (1982). "Word Order in Papua New Guinea Australian languages". (Doctoral dissertation). Retrieved from http://scholarspace.manoa.hawaii.edu/bitstream/handle/10125/21328/Bradshaw1982-diss_r.pdf?sequence=8.
- Butt, M. & et al. (eds.) (1994). *Theoretical perspectives on word order in South Asian languages*. Stanford: CSLI Publications.
- Colijn, E. & J. Tonhaaser (2010). "Word order in Paraguayan Guarani". *International Journal of American Linguistics*. no.76(2). pp. 255-288.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. 2nded. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir - Moghaddam, M. (2012). "Linguistic Typology, an Iranian Perspective". *Journal of Universal Language*. no.13. issue 1. Pp. 31 -70.
- Dryer, M. S. (1992) . "The Greenbergian Word-order Correlations". *Language* . no. 68. Pp. 81- 138.

- Dryer, M. S. (2003). "Word Order in Sino-Tibetan languages from a Typological and Geographical Perspective". eds. J. Thurgood & R. J. LaPolla. the Sino-Tibetan languages (pp. 43 – 56). London & New York: Routledge Publishing.
- Dryer, M. S. (2007). "Word Order, Clause Structure". ed. T. Shopen. *Language Typology and Syntactic Description* (pp.61 - 131). Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. S. (2008). "Word Order in Tibeto – Burman Languages". *linguistics of the Tibeto-Burman Area*. no. 31(1). pp. 1- 88.
- Greenberg, Joseph (1966). "Some Universals of Grammar with particular reference to the order of meaningful elements". *Universals of Language*. ed. Joseph Greenberg. PP. 73-113. Cambridge, MA: MIT Press.
- Haig, Geoffrey L.J. (2008). *Alignment Change in Iranian Languages: a Construction Grammar Approach*. New York: Mouton de Gruyter.
- Hawkins, J. A. (1983). *Word Order Universals*. NY: Academic Press
- Lehmann, W. P. (1973). *A Structural Principle of Language and its Implications*. *Language*. no. 49. Pp. 47-66.
- Kallestinova, Elena Dmitrievna (2007). *Aspects of Word order in Russian*. PhD thesis. University of Iowa. Retrieved from <http://ir.uiowa.edu/etd/165>.
- Mackinnon, C. (1995). "Dezfuli and Shushtari". *Encyclopedia Iranica*. vol. VII. Fasc.4: pp. 350 – 354. Retrieved from <http://www.iranicaonline.org/articles/dezful>.
- Shopen, T. (2007). 2nd edition. *language Typology and Syntactic Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Song, J. J. (2012). *Word Order*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Unvala, J. M. (1959). *Contribution to Modern Persian Dialectology: the Luri and Dizfuli Dialects*. Calcutta: Iran society.
- Vennemann, T. (1974). "Theoretical Word Order Studies: Results and Problems". *Papier zur Linguistik*. No. 7. Pp. 5-25
- Windfuhr, G. (2009). *The Iranian languages*. Rutledge: London.